

سنت و تجدّد

در جهان اسلام

به خوانش ادونیس

ترجمه تألیف

حبیب الله عباسی فرزاد بالو

فهرست مندرجات

سرسخن.....	۹
۱. نقد تکوینی کتاب سنّت و تجدّد.....	۱۳
۱-۱- در آمد.....	۱۳
۱-۲- مفهوم زمان در جریان‌های ایستا و پویای فرهنگ عربی- اسلامی.....	۱۵
۱-۳- عوامل، زمینه‌ها، و خاستگاه علمی، فکری و اجتماعی اثر و مؤلف.....	۱۷
۱-۴- جایگاه کتاب الثابت‌المتحول؛ «سنّت و تجدّد» در میان سایر آثار مرتبط.....	۱۹
۱-۴-۱- اندیشمندان جهان عرب.....	۱۹
۱-۴-۲- اندیشمندان ایرانی.....	۲۱
۱-۵- منابع و استنادات اثر.....	۲۲
۱-۶- مبانی فلسفی، روش‌شناختی و پیش‌فرض‌های نظریه.....	۲۳
۱-۷- دستاوردهای نظری و پژوهشی کتاب سنّت و تجدّد.....	۲۶
۱-۷-۱- جریان‌سازی کتاب سنّت و تجدّد (الثابت و المتحول).....	۲۶
۱-۷-۲- نگاهی گذرا به کتاب سنّت و تجدّد در عرصهٔ بینا رشته‌ای و.....	۲۷
۱-۷-۳- خوانش فوکویی از نسبت میان دیانت و سیاست و ادبیات.....	۲۷
۱-۷-۴- تأملات زبان‌شناختی و بلاغی.....	۲۸

۷-۵-۱- طرحی تازه درباره انواع ادبی؛ نگاهی پساساختارگرایانه به ژانر ادبی ۲۹

۷-۶-۱- از نقد بلاغی کلاسیک تا نقد بلاغی مدرن ۲۹

۷-۶-۱-۱- معیارهای جمال شناسی نوشتار ۳۰

۱-۸-۱- ملاحظاتی انتقادی به کتاب سنت و تجدّد ۳۱

۱-۸-۱-۱- اطناب و تکرار ۳۱

۱-۸-۲- آمد و شدی نا معلوم میان سنت و تجدّد ۳۲

۱-۸-۳- مطلق گرایی و گزینش گرایی در تقسیم بندی جریان های سنت و نوآوری ۳۳

۱-۸-۴- جریان تصوف، جریانی در برابر و در حاشیه گفتمان مسلط؟! ۳۶

۸-۵-۱- تقلیل فکر و فرهنگ اسلامی به فکر و فرهنگ عربی ۳۶

پی نوشت های فصل اول: ۳۷

۲. سنت در فرهنگ عربی - اسلامی

۲-۱- کلیات سنت ۴۱

۲-۱-۱- تعریف سنت ۴۲

۲-۱-۲- ویژگی های چهارگانه سیادت سنت ۴۲

۲-۱-۳- این همانی سنت و سیاست ۴۸

۲-۱-۴- رابطه سنت و ادبیات ۵۰

۲-۲- پایه گذاران اصول سنت در فرهنگ عربی - اسلامی ۵۷

درآمد ۵۷

۲-۲-۱- امام شافعی؛ پیشاهنگ نظریه پردازی وحدت میان دولت و دین ۶۰

۲-۲-۲- فکر و چهارچوب عقل: امام غزالی ۷۶

۲-۲-۳- فکر از حیث بدعت: ابن تیمیّه ۸۱

۲-۳- اصمعی و جاحظ؛ پایه گذاران اصول بلاغی - ادبی سنت ۸۷

پی نوشت های فصل دوم: ۱۰۸

۳. تجدّد در فرهنگ عربی - اسلامی

درآمد ۱۱۷

۳-۱- کلیات تجدّد ۱۲۴

۳-۱-۱- تعریف تجدّد ۱۲۴

۳-۱-۲- رابطه تجدّد با دین و سیاست ۱۲۵

۳-۱-۳- تجدّد در سطوح سیاسی، فکری و ادبی ۱۲۶

۳-۲- جنبش های سیاسی - دینی تجدّد و نمایندگان آن تا سقوط بغداد (۶۵۸) ۱۲۸

۳-۲-۱- انقلاب نخستین ۱۲۸

۳-۲-۲- انقلاب خوارج ۱۳۴

۳-۲-۳- انقلاب های علویان ۱۳۶

۳-۲-۴- قیام صاحب زنج و جنبش قرامطه ۱۴۱

۳-۳- جنبش های فکری پویا تا سقوط بغداد (۶۵۸) ۱۴۸

۳-۳-۱- ارجاء ۱۴۸

۳-۳-۲- تشیع و نظریه امامت ۱۵۱

۳-۳-۳- حقیقت و شریعت (باطن و ظاهر) ۱۵۸

۳-۳-۴- نظر و تباهی تقلید؛ قاضی عبدالجبار ۱۶۷

۳-۳-۵- زبان و مخلوق بودن؛ فارابی ۱۷۶

۳-۴- جنبش های ادبی پویا تا سقوط بغداد (۶۵۸) ۱۸۳

۳-۴-۱- نوآوری و مدرنیسم در شعر: ابونواس و ابوتمام ۱۸۳

۳-۴-۲- جنبش زبانی ۱۹۵

۳-۴-۳- جنبش های نقد ادبی: صولی و آمدی ۲۰۵

۴. تجدّد در عصر نهضت

درآمد ۲۴۳

۲۴۷	۴-۱- زمینہ و زمانہ
۲۵۲	۴-۲- نمایندگان فکری عصر نهضت
۲۵۲	۴-۲-۱- محمد عبده: فکر از جهت توفیق
۲۶۱	۴-۲-۲- محمد رشیدرضا: فکر از جهت فهمیدن
۲۶۸	۴-۲-۳- کواکبی: اندیشه اصلاح طلبی
۲۷۷	۴-۳- تجلّد ادبی در دوره نهضت و نمایندگان آن
۲۷۸	۴-۳-۱- بارودی
۲۸۱	۴-۳-۲- معروف الرصافی
۲۸۵	۴-۳-۳- جماعت دیوان
۲۹۳	۴-۳-۴- خلیل مطران
۳۰۳	۴-۳-۵- جنبش آپولو
۳۰۷	۴-۳-۶- جبران خلیل جبران
۳۰۸	۴-۳-۶-۱- دلالت‌های مدرنیستی آثار جبران
۳۲۱	۴-۳-۷- ارزیابی جریان‌های شعری عصر نهضت
۳۳۰	پی‌نوشت‌های فصل چهارم:

۳۳۵	۵. بیانیه نوشتار
۳۴۵	نمایه
۳۵۳	منابع و مآخذ

سر سخن

بی‌تردید بر رسیدن میراث کهن و گران‌سنگ جهان اسلام - که روزی روزگاری شب چراغ جهان غرق در تاریکی قرون وسطی بود و قلمرو جغرافیایی آن از کاشغر چین تا اندولس اسپانیا گسترده بود - کاری صعب و سترگ است. به‌ویژه که پژوهنده آن از سویی چون استادان سلف و سنتی نگر به این سنت و میراث کهن فربه‌نگاهی قدسی مآبانه نداشته باشد و آن را یکسر در اوج و کمال و جمال نبیند و از سوی دیگر به نسبت و پیوند خود با چنین میراث ارزنده‌ای واقف باشد و بخواهد در این زمان از منظری نو و لونی دیگر بدان بنگرد.

برای بر رسیدن این میراث شگرف باید در آن تردید کرد؛ همچنانکه بیشترها طه حسین با شعر جاهلی چنین رفتاری داشت. پژوهنده این میراث نمی‌باید از پرسشگری از ماهیت آن و رابطه خود با آن بازایستد و بپذیرد که کل این میراث بر مدار خیر نچرخیده است؛ بلکه آمیزه‌ای از خیر و شر، و خطا و صواب است و هم مایه پیشرفت بوده و هم موجب عقب‌ماندگی جهان اسلام شده است.

همچنین محقق میراث جهان اسلام باید از منظری دینامیک نه ایستا به این سرده ریگ بنگرد. این نگرش دینامیکی باید بر رابطه دیالکتیکی میان حال و گذشته استوار باشد. گفتنی است که گذشته می‌تواند مستقل از زبان حال و بیکرد کنونی ما باشد. یعنی از لحاظ آنتولوژیکی وجود تاریخی مستقلی به